



مطالعات ایلات و عشایر

نشریه دانشگاه آزاد اسلامی

دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



جایگاه کودک و دوران کودکی در فرهنگ و باورهای عامه بختیاری

علی حسین پور^۱

^۱ کارشناس ارشد ایران‌شناسی (گرایش فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی)، hosenpourali@mail.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸	باورها بازتابی از نگرش‌ها و اندیشه‌های مردم، در مواجهه با امور طبیعی و سایر مسائل گوناگون زندگی است و با بررسی دقیق مضامین و محتوای آن‌ها، می‌توان با بخش مهمی از فرهنگ و اعتقادات اقوام مختلف کشورمان آشنا شد. با بررسی فرهنگ و باورهای مردم بختیاری، می‌توانموارد فراوانی یافت که به نوعی با زندگی، رفتار و حفظ سلامتی کودکان ارتباط دارد؛ وجود چنین باورهای کهن و ریشه‌دار بیانگر اهمیت دوران کودکی و جایگاه کودک و تعلیم و تربیت او در فرهنگ مردم بختیاری است. بنا بر ضرورت شناخت جلوه‌های گوناگون فرهنگ و ادبیات عامه، در این نوشتار سعی بر آن است تا با استفاده از منابع شفاهی و کتبی در دسترس، با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی و شناخت فرهنگ و باورهای گوناگون مردم بختیاری مرتبط با کودکان، دریابیم که هدف از به وجود آمدن چنین باورهای ریشه‌دار و کهن در فرهنگ مردم بختیاری چیست؟ و کودک در این باورها از چه نقش و جایگاهی برخوردار است؟
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳	
واژگان کلیدی	
بختیاری فرهنگ مردم باور کودک	
استناد: حسین پور، علی (۱۴۰۴)، جایگاه کودک و دوران کودکی در فرهنگ و باورهای عامه بختیاری، نشریه مطالعات ایلات و عشایر ۱۴ (۱)، صص ۵۵-۷۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی © ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، مطالعات ایلات و عشایر، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.	

مقدمه:

بختیاری‌ها یکی از شاخه‌های «لُر بزرگ» هستند که به زبان لُری سخن می‌گویند و در بخش‌هایی از استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، اصفهان و هم‌چنین سایر مناطق کشور (به صورت پراکنده) زندگی می‌کنند. این قوم ایرانی، علاوه بر پیشینه‌ی تاریخی کهن، از فرهنگ و آداب و رسوم با ارزشی هم برخوردارند. با توجه به گستردگی حوزه‌ی فرهنگ عامه، می‌توان هر کدام از شاخه‌ها و زیر شاخه‌های فرهنگ مردم بختیاری را به طور تخصصی مورد بررسی دقیق قرار داد. باورهای عامه از جمله این موارد با اهمیت است و در برگیرنده‌ی اندیشه‌های پاک و صادقانه‌ی مردم، درباره‌ی جلوه‌های گوناگون زندگی و سایر امور طبیعی و فراطبیعی است. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان دوران تولد و کودکی است، در فرهنگ مردم بختیاری هم متناسب با این دوران، اعتقادات و باورهای ویژه‌ی شکل گرفته است که با جمع‌آوری و بررسی و تحلیل آن‌ها می‌توان با گوشه‌ای از باورها و فرهنگ شفاهی قوم بختیاری که نسل به نسل از گذشته به امروزه رسیده است، بیش‌تر آشنا شویم.

بیان مسأله:

باورهای عامه بخش جدای ناپذیر فرهنگ زندگی مردم است. امروزه در بررسی فرهنگ مردم نباید وجود باورهای مختلف را کاملاً بی‌پایه و اساس دانست و یک‌باره آن‌ها را رد کرد؛ بلکه باید با نگاهی علمی و واقع‌بینانه، به بررسی دقیق مضامین و محتوای آن‌ها پرداخت و با این رویکرد، می‌توان فرهنگ‌های بومی کشورمان را بهتر شناخت و با نوع افکار و عقاید مردم در طول تاریخ آگاه شد. با توجه به اهمیت افکار، اعتقادات و باورهای گوناگون مردم، در این تحقیق ضمن شناخت کلی باورهای مردم بختیاری، در پی یافتن پاسخ به این سؤالات هستیم که در فرهنگ مردم

بختیاری چه نوع باورهایی درباره‌ی کودک و یا مادر کودک وجود دارد؟ کودک در این باورها از چه جایگاهی برخوردار است؟ و هدف از به وجود آمدن باورهای کودکانه (ویژه‌ی کودک) چیست؟

ضرورت تحقیق:

با توجه به اهمیت حفظ جلوه‌های گوناگون فرهنگ و ادبیات عامه در شرایط امروزی که با خطر فراموشی و یا کمرنگ شدن مواجه‌اند و هم‌چنین بهره بردن از تجربیات بارزش و سودمند گذشتگان و مردم این سرزمین، ضروری است پس از جمع‌آوری گونه‌های مختلف فرهنگ مردم، با نگاهی دقیق و علمی مورد بررسی قرار گیرند. در این میان بررسی تخصصی و تکیه‌نگاری باورهای مردم بختیاری، به ویژه باورهای تولد و کودکی در کنار سایر حوزه‌های فرهنگ عامه‌ی بختیاری در شناخت بیش‌تر و بهتر این قوم ایرانی، می‌تواند کمک کننده باشد.

پیشینه‌ی تحقیق:

با بررسی منابع مختلف بختیاری، برخی از آن‌ها به صورت پراکنده و برخی کامل‌تر به شرح باورهای مختلف بختیاری پرداخته‌اند که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- کتاب **باورهای عامه در بختیاری** (۱۳۹۱) تألیف قدمعلی نوروزی، از جمله منابعی است که در یک مجموعه به بررسی باورهای مختلف بختیاری‌ها پرداخته است. نویسنده در چهارده موضوع کلی (که با شماره مشخص شده‌اند) بخشی از باورهای بختیاری را آورده و در بین باورهای مختلف مطرح شده، به چند باور درباره‌ی مادر و کودک هم اشاره نموده است. لازم به ذکر است نویسنده در این اثر به هیچ منبع مکتوب و یا شفاهی اشاره نشده و فاقد منابع است که برای

این اثر با موضوع خاص باورها، نوعی تقیصه محسوب می‌شود.

علاوه بر کتاب فوق، در سایر آثار «فولکلوریک» بختیاری، به باورهای مختلف بختیاری اشاره شده که از میان این باورها، باورهای مرتبط با کودکان هم به چشم می‌خورد که به ترتیب سال انتشار، منابع زیر قابل بررسی‌اند:

- در کتاب **فرهنگ بختیاری** (۱۳۶۸) اثر عبدالعلی خسروی بدون دسته‌بندی خاص، از برخی از باورهای عامه‌ی بختیاری نام برده شد.

- کتاب **آنزان (ویژه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری)** (۱۳۷۷) که به صورت مجموعه مقالات استو به کوشش غلامعباس نوروزی بختیاری چاپ شده است. در این کتاب، بابک شالویی مقاله‌ای با عنوان «چندباور در بین بختیاری‌ها» تعدادی از باورهای عامه‌ی بختیاری را آورده است و چندین باور کودکانه هم دارد.

- کتاب **گفت و لغت (گفتگو - سخن‌گویی خودمانی) درباره‌ی فرهنگ عامیانه‌ی بختیاری** (۱۳۸۵) تألیف عباس قنبری غدیوی، (در صفحات ۹۹ تا ۱۲۶ کتاب) بخشی از باورهای عامه‌ی بختیاری به صورت موضوع‌بندی و برخی دیگر از جمله «زمان در پندارهای مردم بختیاری» و «مهمانی در مثل‌ها و باورهای عامیانه‌ی بختیاری» به صورت مقاله‌ی تحلیلی بیان شده است.

- کتاب **آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ** (۱۳۸۵) تألیف رضا سرلک از منابعی است که موضوعات مختلف فرهنگ و ادبیات بختیاری را مورد بررسی قرار داده است که از جمله می‌توان از فرهنگ نام‌گذاری کودکان، لالایی‌ها و برخی باورهای عامه بختیاری نام برد.

- در کتاب **فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری** تألیف علی حسین پور (۱۳۹۱) به برخی از مهم‌ترین باورهای کودکانه‌ی

بختیاری پرداخته شده است که در این نوشتار از برخی از مطالب آن بهره گرفته شده است.

- کتاب **فولکلور مردم بختیاری** (۱۳۹۱) تألیف عباس قنبری غدیوی در یک تقسیم‌بندی موضوعی (در صفحات ۱۲۱ تا ۱۲۷) نمونه‌هایی از باورهای عامه‌ی بختیاری را ذکر کرده است.

- کتاب **مراسم آیینی نمایشی در بختیاری** (۱۳۹۲) اثر محمدرضا شهبازی، باورهای عامه‌ی بختیاری را بدون دسته‌بندی خاص به صورت جملات کوتاه (در صفحات ۱۰۷-۱۱۹) آورده است.

- **دانشنامه قوم بختیاری** (۱۳۹۳) نوشته‌ی سریا داودی حموله، از جمله منابعی است که در آن ضمن بررسی موضوعات مختلف هنر، فرهنگ و ادبیات قوم بختیاری، به تحلیل آداب و سنن مختلف از جمله باورهای بختیاری (به ویژه در صفحات ۲۶۰-۲۸۱) پرداخته شده است.

- کتاب **ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد: پژوهشی در فرهنگ و ادبیات عامه‌ی بختیاری** (۱۳۹۴)

اثر عباس قنبری غدیوی ضمن پرداختن به موضوعات مختلف هنر، ادبیات و فرهنگ بختیاری، نمونه‌های زیادی از باورهای عامه‌ی بختیاری را (در صفحات ۲۶۹-۳۰۰) آورده است که در این میان باورهای مرتبط با زنان و کودکان هم بیان شده است.

در سایر آثار و منابع مکتوب (قابل دسترس) بختیاری به صورت پراکنده، بدون تقسیم‌بندی خاصی تنها به نمونه‌هایی از باورهای بختیاری اشاره شده است که در این جا مجال بررسی تمام آن‌ها نیست.

تقسیم‌بندی انواع باورهای مردم بختیاری:

مردم بختیاری درباره‌ی امور مختلف زندگی و این جهان هستی باورهای فراوانی دارند که برخی از آن‌ها به دلیل

شدن خطبه‌ی عقد، باورهای مرتبط با پیش‌بینی جنسیت اولین کودک زوجین بیان می‌شود؛ با این نگرش، مردم بختیاری بر این باورند که اگر در مراسم عقد، اولین شیرینی به یک پسر بچه داده شود، نخستین فرزند عروس و داماد پسر خواهد شد و اگر شیرینی را به دختر بچه‌ای بدهند، آن‌ها صاحب دختر خواهد شد (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۲۹).

باورهای جشن حنابندان:

برخی از باورهای عامه‌ی بختیاری درباره‌ی کودکان مربوط به جشن حنابندان است. در این جشن، گفته می‌شود زنی که دختر می‌زاید، نباید به دست عروس حنا بگذارد و زنی پسر آورده باشد، به دست عروس حنا بگذارد، تا بچه‌های او هم پسر شوند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۹). هم‌چنین، هنگامی که در دست راست عروس حنا می‌گذارند، معمولاً داخل حنا یک سکه قرار می‌دهند و از پسر بچه‌ای می‌خواهند که او سکه را از دست عروس بردارد، به این باور که اولین بچه‌ی عروس پسر باشد (حنیف، ۱۳۸۶: ۴۲).

باورهای جشن عروسی:

بختیاری‌ها بر اساس باورهای قدیمی خود زمانی که عروس را به خانه‌ی بخت می‌فرستند، معمولاً دستمال سفید یا رنگی محتوی نان، قند یا نبات و... به دور کمر او می‌بندند که این کار به وسیله‌ی برادر (در صورت نداشتن برادر) یا دایی، عمو و یا مردی که از محارم عروس باشد، انجام می‌گیرد. علت بستن کمر بند از سوی پسر یا مرد محرم به این خاطر است که اولین بچه‌ی عروس پسر باشد (مددی، ۱۳۸۶: ۵۷). هم‌چنین، بستن نان به کمر عروس نشانه‌ی برکت و افزودن بخشی به خانه‌ی داماد نیز می‌تواند باشد (شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۷۲). در واقع «نان نماد برکت و خوشبختی، قند و شیرینی سفیدبختی و سبزی نماد باروری است» (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

شفاهی بودن و ثبت نشدن و کاربرد کمتر یا فراموش شده‌اند و یا در حال فراموشی‌اند؛ با این وجود هنوز باورهای ماندگار و رایجی وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی موضوعی می‌توان آن‌ها را به موارد زیر گروه‌بندی کرد:

«۱- علمی؛ ۲- سرگرمی؛ ۳- خرافه‌ها؛ ۴- سرکاری؛ ۵- اجتماعی- فرهنگی؛ ۶- اخلاقی؛ ۷- دینی- مذهبی؛ ۸- طبیعی؛ ۹- فرا طبیعی. از سوی دیگر می‌توان باورها را در قالب موضوع‌هایی چون: مهمانی، کوچ، کودک، ازدواج، کار، زایمان، مسافرت و... قرار داد. این دسته‌بندی‌ها بر اساس میزان (کمیت) باورها و هم‌چنین اعتبار و ارزش آن‌ها قابل تفکیک هستند» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۷۳-۲۷۴). از میان باورهای مختلف ذکر شده در کتاب‌ها و منابع فرهنگ عامه بختیاری، باورهای مرتبط با کودک محور اصلی این پژوهش است.

باورهای مردم بختیاری درباره‌ی کودک:

در فرهنگ مردم بختیاری به دوران کودکی وزندگی کودکان توجه زیادی شده و باورهای پیر این باره پدید آمده است و در یک دیدگاه کلی می‌توان آن‌ها را به باورهای پیش از تولد نوزاد^۱ (یعنی از زمان شکل‌گیری ازدواج- از خواستگاری تا عروسی و دوران بارداری زنان) و دوران پس از تولد یا دوران کودکی (زندگی کودک) تقسیم‌بندی نمود، در ادامه به برخی از مهم‌ترین این باورها اشاره می‌شود:

باورهای ازدواج، دوران پیش از تولد نوزاد:

باورهای زمان عقد:

با توجه به اهمیت ازدواج در فرهنگ بختیاری، باورهای گوناگونی در این باره شکل گرفته است و با خوانده

^۱- یکی از واژه‌های کلیدی این مقاله کلمه‌ی «کودک» است و جدای از تقسیم‌بندی‌ها و تعاریفی که در این باره وجود دارد، در این جا بیش‌تر منظور، بدو تولد و سال‌های اولیه زندگی تا ۷ سالگی است.

علاوه بر باور ذکر شده، بختیاری‌ها در زمان برگزاری جشن عروسی و پس از این که قصد بردن عروس به خانه‌ی داماد را دارند، معمولاً اطرافیان و فامیل داماد خروس یا یکی از وسایل قابل حمل خانواده‌ی عروس را که قبلاً در نظر گرفته‌اند، با خود به خانه‌ی داماد می‌برند و این عمل را نشانه‌ی میمنت و تبرک می‌دانند که همراه با عروس، خیر و برکت نیز به خانه‌ی داماد می‌آید (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۹) بردن خروس از خانواده‌ی عروس به خانه‌ی داماد می‌تواند نشانه‌ی نوید تولد پسر، به عنوان اولین فرزند عروس هم باشد، همچنین، «خروس نماد سحرخیزی، مردانگی، ستایشگری و خبر خوب دادن است... داشتن خروس در خانه نوعی جوش و خروش و نماد سرزندگی است» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

تحلیل باورهای ازدواج مرتبط با فرزندخواهی:

با نگاهی به باورهای زمان عقد تا عروسی، از جمله: دادن اولین شیرینی به پسر بچه در هنگام عقد؛ بستن پارچه یا شال سفید (به نشانه‌ی سفید بختی) حاوی نان (نشانه‌ی برکت)، قند و نبات (نماد شیرین بودن زندگی) و سبزی (به نشانه‌ی باروری) و... به وسیله‌ی برادر، دایی یا عمو (محارم) به کمر عروس هنگامی که می‌خواهد به خانه‌ی بخت برود؛ سوار شدن عروس به همراه پسر بچه‌ای بر مادیان (به نشانه و نماد زایش و زاینده‌گی) به هنگام جشن عروسی؛ قربانی کردن قوچ (گوسفند نر) جلوی پای عروس؛ بردن خروس به خانه‌ی داماد؛ شکستن تخم مرغ به نشانه‌ی باروری و زایش و گذاشتن پسر بچه‌ای در دامان عروس پس از ورود به خانه‌ی داماد و سایر باورهای مشابه دیگر، به خوبی می‌توان به این نکته پی برد که در زمان‌های گذشته به خاطر شیوه‌ی معیشت سستی زندگی روستاییان و عشایر بختیاری (کشاورزی و دامداری) همواره صاحب اولاد شدن و داشتن فرزندان بیش تر (به ویژه پسر) جهت تسهیل و انجام امور فعالیت‌های مشاغل سستی، کمک بزرگی به اقتصاد خانواده‌ها محسوب

گفتنی است که در زمان‌های گذشته، در ایل بزرگ بختیاری وقتی که می‌خواستند عروس را به خانه‌ی داماد ببرند، معمولاً او را سوار بر مادیان می‌کردند و پسر بچه‌ای را هم پشت سر او جای می‌دادند، به این امید که اولین بچه‌ای که متولد می‌شود، پسر باشد (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۲۸) و اگر در مسیری که عروس را حرکت می‌دادند ده یا سیاه‌چادر عشایر وجود داشت، وقتی که حاضران کاروان عروس را مشاهده می‌کردند، لحظه‌ای عروس را نگه می‌داشتند و قوچی را جلوی پای او قربانی می‌کردند و از طرف داماد مبلغی را به نشانه‌ی خیر و برکت به شخصی که قوچ را قربانی می‌کرد، هدیه می‌دادند. این حرکت به این منظور صورت می‌گرفت بود که فرزند اول آن زوج پسر باشد (گرد، ۱۳۸۸ ج ۱: ۱۳۰). هنگام رسیدن کاروان عروسی به خانه‌ی داماد، تخم مرغی را به نشانه‌ی باروری و زایش جلوی پای عروس به زمین می‌کوبند و در نزد برخی طوایف، عروس پا بر روی تخم مرغ می‌گذارد و وارد خانه‌ی داماد می‌شود (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۵۴) در همان هنگام، عروس به طور عمدی

باورهای دوره‌ی بارداری:

پس از شکل‌گیری ازدواج، با توجه به اهمیت زایا بودن زن و مراقبت در این دوره‌ی نه ماهه بارداری، به منظور جلوگیری سقط شدن بچه و سایر امور مرتبط این دوره، باورهای مختلفی از سوی زنان بیان می‌شود که به نقل از «داودی حموله» به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- زن آبستن که میل به خوردن شیرینی و ترشی یا یک نوع خوراکی خاص - در اصطلاح «چفدر چینی» (ویار) - دارد، سفیدی جوانه گندم را به او می‌دهند تا ویارش قطع شود.
- بر اساس باورهای قدیمی، گاهی تخم پرستور را با روغن بنفشه آغشته کرده و برای تقویت به زن آبستن می‌دادند.
- در ماه‌های اولیه، زن باردار به هر که نگاه کند، احتمال دارد نوزادش شبیه او شود.
- شگون ندارد زن باردار شب‌ها از خانه خارج شود.
- اگر زن مَهره کهربا به خود آویزان کند، نوزادش سقط نخواهد شد.
- برای جلوگیری از سقط جنین، مادر را با آب و کرفس حمام می‌کنند.
- برای جلوگیری از سقط جنین، «چله بُری» می‌کنند. به این منظور ملای محل چهار قُل قرآن «ناس، فلق، کافرون و توحید» را بر چهار نخ رنگارنگ می‌خواند و همراه قفل کوچکی یا مَهره‌ای به همین نام بر کمر زن آبستن می‌بندد.
- برای قفل کمر زن، «یاسین» می‌خواند و «هفت سین» را بر قفل می‌دَمند و تا نه ماهگی بر کمر زن بسته خواهد ماند (به نقل از داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۱ و ۲۶۳).

باورهای زنان درباره‌ی استفاده از مَهره‌ها و وسایل زیتنی:

در زمان‌های گذشته زنان بختیاری باورهای مختلفی درباره‌ی به کار بردن وسایل زیتنی، مَهره‌های مختلف و دعانوشته‌ها داشته‌اند که برخی از این باورها به مرور زمان

می‌شد. علاوه بر این، بر اساس باوری قدیمی، داشتن پسر سبب روشن نگاه‌داشتن چراغ خانه و تداوم نسل می‌شود، به همین دلیل چنین باورهایی شکل گرفته است و شاید به نوعی بازگو کننده‌ی آرزوی والدین برای داشتن پسر (به ویژه اولین فرزند) بوده است.^۱

باورهای مردم بختیاری درباره‌ی زنان باردار تا زمان تولد نوزاد:

بیش تر باورهایی که به نوعی با کودکان مرتبط می‌شود، به نوعی برگرفته از ذهن و باورهای مادران است؛ چرا که آن‌ها بیش ترین ارتباط عاطفی و مهرورزی را با کودکان بر عهده دارند و برای حفظ سلامتی فرزندان‌شان عمل به تجربیات مفید گذشتگان و برخی باورها را از نظر دور نمی‌دارند (حسین پور، ۱۳۹۱: ۱۲۶). به دلیل اهمیت باورهای عامه مربوط به کودکان به ویژه دوره‌ی قبل از تولد نوزاد و ارتباط آن با زنان باردار می‌توان به چند گونه از آن‌ها اشاره کرد، از جمله: باورهای دوره‌ی بارداری؛ استفاده از وسایل زیتنی مختلف؛ تشخیص جنسیت بچه در دوره‌ی بارداری و برخی کارهایی که زن زائو^۲ پس از تولد نوزاد باید به آن توجه داشته باشند.

^۱- نکته‌ای که در این جا باید به آن توجه نمود این است که با نام بردن پسر در این نوشتار نباید از نقش دختران در ایل بختیاری، نادیده گرفته شود. به اعتقاد و باور بختیاری‌ها وجود دختر نشانه‌ی غمخوار بودن برای والدین و برادران و هم‌چنین سبب خیر، برکت و رزق و روزی خانواده و نشانه‌ی لطف و عنایت خداوند محسوب می‌شود؛ به همین دلیل بر خلاف نام پسران، نام‌های زیبایی برای دختران انتخاب می‌کنند و ترانه‌های کودکانی زیادی درباره‌ی دختران در فرهنگ بختیاری وجود دارد که به نوعی بیان‌گر اهمیت وجود دختر در خانواده‌ی بختیاری‌ها است.

^۲- زنی که تازه زایمان کرده است.

رنگ باخته‌اند و از ذهن‌ها فراموش شده‌اند و برخی دیگر هنوز رواج دارند.

«زن عشایری بعد از متوجه شدن بارداری، مهره و سنگ‌ها ضد چشم و نیروزا، ناخن خرس و موی گرگ به خود آویزان می‌کند تا [از] گزند شیاطین و چشم زخم در امان باشد» (همان، ۱۳۹۳: ۲۶۰) برخی از زنان ایل بختیاری، هنگام بارداری از مهره‌ای سبز رنگ به نام «فهمه»^۱ استفاده می‌کنند و اعتقاد دارند که این مهره باعث می‌شود که بچه‌شان سالم متولد شود (پوره، ۱۳۸۱: ۸۰). برخی از زنان هم‌چنین باور دارند، پس از تولد نوزاد اگر زنی دیگر که حامل این مهره است، به دیدن آن نوزاد برود، در او تأثیر می‌نهد و رنگ او سیاه می‌شود و چه بسا به مرگ او منجر شود (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

در زمان گذشته، زنان حامله (و تازه زاییده)، بازوبندهای نقره‌ای به نام «خواس»^۲ یا گونه‌ای از بازوبندهای بافتی از مو که نقش‌دار بوده و گاهی با مهره‌ها و سکه‌های نقره آذین بسته می‌شد، بر گوشه‌ای از آن دعایی می‌نوشتند و آن را بر بازوی خود می‌بستند (حسن‌زاده رهدار، ۱۳۸۲: ۱۶۳). زنان این بازوبند را بیش‌تر برای حفظ سلامتی زنان و دور ماندن از چشم زخم دیگران به کار می‌بردند.

باورهای عامه درباره‌ی تشخیص جنسیت بچه:

در زمان‌های گذشته که مانند امروز امکان پیشرفته‌ی پزشکی تشخیص جنسیت بچه در دوره‌ی بارداری از طریق سونوگرافی وجود نداشت، به همین دلیل باورهایی شکل گرفت بیش‌تر از روی حرکات و رفتار زن باردار و یا میل به غذاهای مختلف ترش و یا شیرین، جنسیت بچه را حدس می‌زدند و یا از این طریق به نوعی آرزوی خود را برای دختر یا پسر داشتن را بیان می‌کردند، جالب آن‌که در بیش‌تر موارد

این حدس‌زدن‌ها به واقعیت نزدیک بود! برای آشنایی بیش‌تر به نمونه‌ای از این باورها - که بیش‌تر که با اگر شروع می‌شوند - اشاره می‌شود:

- برای تشخیص این که زن باردار صاحب پسر خواهد شد یا دختر، بدون این که متوجه شود، اندکی نمک بر سرش می‌ریزند، با این تصور که اگر وی دست بر لب می‌برد (به معنی داشتن سیل) باور دارند که صاحب پسر خواهد شد و اگر دست بر سر خود ببرد (به نشانه‌ی داشتن گیسوی بلند) اطرافیان می‌گویند آن زن صاحب دختر خواهد شد (به نقل از سرلک، ۱۳۸۵: ۶۴).

- «اگر زن آبستن در ماه آخر به ماه نو بنگرد، فرزندش دختر می‌شود» (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

- زن آبستن اگر روی دست راست بلند شود، بچه‌اش پسر و اگر روی دست چپ بلند شود، بچه‌اش دختر است (شهبازی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

- اگر بچه در شکم زیاد بجنبد، پسر و اگر شکم رو به پایین باشد، بچه دختر است (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۲).

- «اگر زن حامله در ماه‌های آخر سنگین حرکت کند و تنبل باشد، بچه‌اش دختر است» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۸۳).

- اگر زن حامله تُرشی زیاد دوست داشته باشد - و یار تُرشی داشته باشد - بچه‌اش پسر است و اگر زیاد شیرینی بخورد، بچه‌اش دختر است (همان: ۲۸۳).

تعیین جنسیت بچه بر اساس تعبیر خواب:

در تعبیر خواب سستی بختیاری‌ها برای تعیین جنسیت بر اساس نوع خواب دیدن گفته می‌شود:

- «اگر کسی در خواب کتاب آسمانی ببیند؛ پسری نیکو سرشت خواهد داشت» (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

- اگر کسی به دیگری آینه داد صاحب پسر خواهد شد (همان: ۲۰۲).

¹ Fahmeh

² Khovas

- اگر زنی قیچی، سوزن، مهره و مُروارید در خواب ببیند، بچه‌اش دختر است و اگر تفنگ، شمشیر و اسب در خواب ببیند، بچه‌اش پسر است (همان: ۲۶۲).

اعتقادات و باورهای مردم بختیاری درباره‌ی حفظ سلامتی زنان زائو:

بخشی از باورها و اعتقادات گذشته‌ی مردم بختیاریدرباره‌ی وضع حمل زن باردار و حفظ سلامتی زن زائو بوده است و با عمل به تجربه‌های سودمند و کاربردی و باورهای مدّ نظرشان، به نوعی سبب تقویّت اعتماد به نفس و تسکین دهنده‌ی روحیه و دردهای جسمانی زن زائو می‌شدند، در ذیل برخی از این باورها اشاره می‌شود:

- در زمان گذشته برای راحتی وضع حمل، تفنگ شکاری را بر پهلوی زائو می‌زدند و یا اسبی را دور از گُرّه نگه می‌داشتند که شیهه بکشد (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۲). گاهی هم برای چاره‌ی فارغ شدن در حالت سخت، لباس مرد شکارچی را بر روی سر زائو می‌گذاشتند تا راحت‌تر بتواند فارغ شود (حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

- «اگر زائو هنگام وضع حمل دچار مشکلی از نوع بیهوشی، خواب و ترس شدید شود، به گوش او بانگ می‌زنند، کِل می‌کشند، دعا می‌خوانند تا زائو درد زایمان را فراموش کند» (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۴). علاوه بر این، وقتی زنی در حال وضع حمل باشد و زمان فراغت او از حد معمول گذشته باشد، شخصی بر بالای بام خانه می‌رود و اذان می‌گوید تا او به سلامتی فارغ شود (سرلک، ۱۳۸۵: ۶۴). برای رفع این مشکل و تأخیر در وضع حمل، دعایی کرده و نشانه‌ای به مچ دست و یا به لباس وی آویزان می‌کنند (قنبری غدیوی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). یکی دیگر از باورهایی که در فرهنگ مردم بختیاری درباره‌ی چاره‌ی دیرزایی زنان حامله وجود داشت، استفاده از گیاهی به نام «پنجه‌ی مریم» است به این منظور، گیاه پنجه‌ی مریم را داخل ظرف آب می‌گذاشتند و با

باز شدن برگ‌های آن، باور داشتند که زن باردار راحت‌تر و زودتر زایش می‌کند (حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

تحلیل باورهای عامّهی بختیاری درباره‌ی دوره‌ی بارداری تا زمان تولّد نوزاد:

در فرهنگ مردم بختیاری باورهایی زیادی درباره‌ی فرزندخواهی (به ویژه اولین فرزند) وجود دارد که قبلاً به آن اشاره شده است. پس از ازدواج، یکی از انتظارات مهمّ از زنان، صاحب فرزند شدن آنان است و زنانی که به نوعی نازا باشند، بنا بر توصیه‌هایی که در این زمینه به آن‌ها می‌شود، سعی می‌کنند با عمل به باورهای قدیمی، دعانوشته‌ها و اعتقادات قلبی‌شان به خالق یکتا، صاحب فرزند شوند، تا کانون خانواده‌شان گرم بماند. به دلیل اهمیّت این موضوع، به برخی از باورهای دوران پیش از تولّد نوزاد که مربوط به زنان باردار است، پرداخته شد. هدف از باورهای مطرح شده در دوره‌ی بارداری مادران، در نهایت حفظ سلامت مادر و بچه است؛ به همین دلیل از آن‌ها خواسته می‌شود به منظور تقویّت بدن، از غذاهای مقوی استفاده کنند و همواره یک دعانوشته (که با اعتقاد دینی و مذهبی همراه است) یا از موی گرگ (به منظور دفع اجنّه بر اساس باوری کهن و قدیمی) یا مهره‌هایی (از جمله مهره فُهمه) که رفع چشم زخم می‌کنند، به همراه داشته باشند.

علاوه بر موارد بالا، باورهایی توأم با اعتقادات دینی در فرهنگ بختیاری وجود دارد، از جمله: استفاده از گیاه «پنجه‌ی مریم» (نسبت داده شده به حضرت مریم)، دعانوشته و اذان گفتن بر پشت بام در غیر از وقت خود، به نشانه‌ی اعلان خبر مهمّ و درخواست کمک فوری و استمداد از مردم برای دعاخوانی برای زائویی که جانش در خطر است، همه بیانگر این مطلب است در زمانی که امکانات رایج امروزی وجود نداشت، مردم با داشتن خلوص نیّت، اعتقادات و باورهای صادقانه‌ی، به خوبی می‌توانستند بر بزرگ‌ترین

- بالای سر نوزاد کمی نان و نمک قرار می دهند، تا عمرش بلند و پر برکت باشد.

- بالای سر نوزاد چراغی روشن، کتاب قرآن، یک چاقو، چند دانه حبوبات و کاسه ای آب می گذارند.

- نمک و اسپند را درون پارچه ای سبز گذاشته و با سنجاق به لباس نوزاد می دوزند.

- با چند ریسمان رنگارنگ هم اندازه برای مادر و نوزاد چله بری می کنند تا از چشم زخم، بیماری و بلا در امان باشند (به نقل از داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۰-۲۶۲).

- استفاده از مهره «لُپک سوز»^۱ مهره سبز رنگ برای کودک باعث می شود او از چشم بد حفظ شود.

- با استفاده از موی بدن گرگ و یا دست گرگ باعث می شود تا کودک از شر جن در امان باشد و «قاپ» پای گرگ باعث شجاعت کودک می شود (شهنازی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

قدم های سبک و سنگین نوزاد:

بختیاری باور دارند که افراد قدم های سبک و سنگین دارند؛ به این معنی که پا (قدم) سنگین، شخصی است که ورود و خروجش به مکانی باعث کنای کار می شود و پا (قدم) سبک شخصی است که ورود و خروجش به مکانی باعث پیشرفت کار می شود (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۱۶۷). در فرهنگ مردم بختیاری شروع باورهای قدم سبک و سنگین کودکان گاهی از روز تولد نوزاد شناخته می شود، از جمله گفته می شود:

- «کسی که شب به دنیا آمده پا سنگین و کسی که روز به دنیا آمده پا سبک است.

- اگر با تولد نوزاد خیر و برکت به خانه بیاید آن کودک پایش سبک است.

- اگر با تولد نوزادی خانواده دچار ضرر و زیان شد آن کودک پایش سنگین است» (همان: ۱۷۷).

مشکل ها هم فائق شوند؛ هم چنان که در باورهای ذکر شده، نیت اصلی چنین باورهایی حفظ جان و سلامتی مادر و بچه اش بود تا زن باردار راحت تر زایمان کند.

آیین ها و باورهای مردم بختیاری درباره ی تولد نوزاد و

مراقبت از او:

۱-۲-۶. جشن تولد نوزاد:

در زمان های گذشته قابله های محلی با تجارب سنتی خود، به کمک زائو می آمد. وقتی بچه ای به دنیا می آمد، ناف بچه را می بُرید. پس از این مراحل، به دستور او غذایی به نام «برشتوک» برای زن تازه زایمان کرده، آماده می کرد. این غذا با مقداری روغن حیوانی، مقداری آرد گندم، شکر، رازیانه، آویشن تهیه می شود. وقتی بچه به سلامتی به دنیا می آمد، به دستور پدر خانواده یک گوسفند یا بُز را جلوی پای بچه قربانی می کردند. پس از آن قابله انعام خود را که شامل چادر یا لباس و... است، از خانواده ی نوزاد می گرفت و به منزل خود می رفت. پس از تولد نوزاد، بستگان خانواده از گوشه و کنار می آیند و در جشن شادی نوزاد شرکت می کنند و این جشن تا چند روز ادامه دارد (با تلخیص از گُرد، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۲).

باورهای مربوط به هفته ی اول تولد نوزاد:

برخی از باورهای عامه ی بختیاری در روز تولد نوزاد و هفته ی اول انجام می شود، از جمله:

- «اگر کودک هنگام تولد دست هایش را بگشاید و آغوش باز کند، فرد بزرگی خواهد شد» (قنبری، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

- در بدو تولد قطره ای آب قند در دهان نوزاد می ریزند تا شیرین زبان شود.

- اگر نوزاد دختر بود به زائو خوراک گرم می دهند؛ زیرا طبع دختر سرد است. اگر نوزاد پسر باشد به زائو خوراکی سرد می دهند؛ چون طبع پسر گرم است.

¹ Lopoksowz

بریدن ناف نوزاد:

یکی موارد مهم در تولد نوزاد، بریدن ناف یا نافه‌ی اوست. بر همین اساس بریدن ناف با باورهای همراه است؛ از جمله‌ی این که بختیاری‌ها باور دارند که اخلاق و روحیه قابل‌ه و ناف‌بر در زندگی و اخلاق کودک تأثیر زیادی دارد و هنگامی که ناف کودک را گره می‌زنند، پس از خشک شدن و افتادنش، آن را در پارچه‌ای قرار می‌دهند و آن را در اسباب و اثاثیه فروشنده‌ی دوره‌گرد یا مغازه قرار می‌دهند به این امید و باور که در آینده فرزندان (پسر) تاجر و پول‌دار شود! (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) هم‌چنین، بر اساس برخی باورهای عامه بختیاری، «اگر ناف خشک شده نوزاد را بالای سر زن نازا بگذارند، صاحب بچه خواهد شد» (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

مردم بختیاری قبلاً دارای یک سنت آیینی به نام «ناف‌بری» بودند که امروزه اثر آن کمرنگ شده است. در این رسم گاه ناف دختری را به نام پسری می‌بریدند و نام بریده را روی پای کودک پسر قرار می‌دادند و از همان کودکی آن‌ها را نامزد می‌کردند (همان: ۲۷۲).

مراقبت از نوزاد پس از تولد:

برخی از باورهای زنان بختیاری مربوط به پس از تولد نوزاد و چگونگی مراقبت و محافظت از او در مقابله با خطرهای احتمالی است که سلامت نوزاد را به خطر می‌اندازند. به همین منظور، زنان بختیاری از روزی که نوزاد به دنیا می‌آید به مدت چهار شب، چراغی نزد نوزاد روشن می‌کنند. مادر یا یکی از بستگان بچه نیز به مدت هفت شب در کنار نوزاد بیدار می‌ماند و از او نگهداری می‌کند تا خطری متوجه نوزاد نشود (گرد، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۲).

در زمان گذشته زنان بختیاری هنگام تولد نوزاد، دور زن زائو خطی دایره‌ای می‌کشیدند تا مبدا آل یا جن بچه را برود. علاوه بر این، از موی گرگ، پیاز، قیچی، سیخ، نمک،

«قاو دال»^۱ ساق پای لاشخور، «چنجه پلنگ»^۲ پنجه‌ی پلنگ و «لپک کهو»^۳ مهره آبی رنگ، بالای سر نوزاد استفاده می‌کردند که با گذشت زمان و اعتقادهای مذهبی - منطقی از قرآن و دعا نیز بهره فراوانی برده‌اند. استفاده از آهن در بالای سر نوزاد به علت این است که آهن علاوه بر استقامت داشتن و نمادی از مقاومت، بُرندگی و تیزی‌اش نیز می‌تواند نمادی از دافعه باشد که موجودات شیطانی و آل را که قصد بردن نوزاد را دارند، دور سازند (مددی، ۱۳۸۶: ۵۲).

بر اساس باورهای شفاهی بختیاری، در زمان گذشته نخ «شه پیسه»^۴ سیاه و سفید را به هم تاب می‌دادند و صورت می‌چند به مدت چهل روز بر میج دست مادر و دست نوزاد می‌گذاشتند و باور داشتند با این کار سبب دفع شر اجنه خواهند شد و آن‌ها سلامت خواهند ماند.^۵

قنداق کردن نوزاد:

مادران بختیاری بر اساس تجربه‌های قدیمی، پس از تولد نوزاد او را قنداق می‌کنند. روش قنداق کردن به این گونه است که دست و پای نوزاد را با دو پارچه می‌بندد و این قنداق کردن نوزاد به نوعی حکم گهواره‌ی اوست و برایش آرام‌بخش است. مادران بختیاری باور دارند که قنداق کردن نوزاد سبب حفظ ترکیب بدن نوزاد می‌شود، موقع سرما هم بدن کودک را گرم نگه می‌دارد و برای آرامش نوزاد اثر خوبی دارد و مانع از تکان خوردن او می‌شود و راحت‌تر می‌تواند می‌خوابد (با تلخیص از حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۳).

^۱ Ghave Dal

^۲ Chenjepalang

^۳ Lopokekehu

^۴ Shah Pise

^۵ چنپن باوری در زمان‌های گذشته در روستاهای بخش ناغان (شهرستان کیار) رایج بود.

آیین چله‌بری:

اساس باوری آن کودک را با احتیاط از بالای بام یا صخره‌ای در چادر مادرش می‌اندازند تا بدشگونی‌اش رفع شود (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۸۰).

تحلیل باورها درباره‌ی تولد نوزاد و مراقبت از او:

مردم بختیاری، در زمان‌های گذشته، با توجه به اهمیت حفظ سلامتی مادر و نوزاد و به ویژه مراقبت زیاد از نوزاد در اولین روزهای زندگی‌اش، سعی می‌کردند که از یک سو با متوسل شدن به انجام اموری که گاهی با اعتقادات مذهبی هم پیوند دارد از جمله گذاشتن قرآن و دعانوشته بالای سر نوزاد و مادر و چله‌بری برای آن‌ها و از سوی دیگر با استفاده از باورهای قدیمی از جمله استفاده از پیاز (به خاطر خاصیت ضد میکروبی آن)، آهن، قیچی، سیخ، موی گرگ، پنجه‌ی پلنگ، نخ سیاه و سفید و روشن نگاه‌داشتن چراغ (دفع اجنه و آل) و همچنین به کار بردن انواع مهره‌ها، نمک، اسپند (رفع چشم زخم) سعی وافر داشتند که مراقبت ویژه‌ای از زن زائو و نوزاد نمایند.

باورهای درباره‌ی اعمال و رفتار کودکان:

با بررسی فرهنگ مردم بختیاری باورهای وجود دارد که با زندگی، اعمال و رفتار و صداقت کودکان ارتباط دارد، برای آشنایی بیش‌تر به برخی این‌گونه باورها اشاره می‌شود:

- اگر بچه‌ها با باز کردن پاهای خود و قرار دادن سر بین پاها بازی کنند، نشانه‌ی آمدن مهمان یا مسافر است (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

- اگر کودکی به یک نقطه خیره شود، می‌گویند مسافری از راه می‌رسد (سرلک، ۱۳۸۵: ۶۷).

- بچه‌ی کوچک نباید در آینه نگاه کند؛ زیرا ممکن است دیوانه شود (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۲۸).

یکی از باورهای آیینی مردم بختیاری که برای عروس و یا زائو انجام می‌شود «چله‌بری» است. این آیین با عدد چهل در فرهنگ ایرانی - اسلامی که دارای تقدس ویژه‌ای است - رابطه دارد. با انجام آن تا چهل روز مادر و نوزاد از آسیب‌ها و زیان‌های جسمی و روحی محفوظ می‌دارد (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). در چهل روز اول پس از زایمان، به نوزاد چله‌ای می‌گویند. پس از پایان چهل روز از تولد نوزاد، نزد یکی از مَلاهای قدیمی می‌روند و دعایی می‌گیرند تا نوزاد به اصطلاح چله‌بر شود (حنیف، ۱۳۸۶: ۵). پس از آن «معمولاً با ظرف چهل کلید به نشان گذشت چهل روز زندگی نوزاد و به تیت دفع بلا و بیماری حمام می‌کنند» (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۲۷۶).

رویش اولین دندان کودک:

مادران بختیاری با مشاهده‌ی رویش اولین دندان در دهان طفل، نوعی غذای محلی به نام «دنگو»^۱ که ترکیبی از نخود، لوبیا، باقلا و گندم پخته به صورت مخلوط است، درست می‌کنند و جشن کوچکی به همین مناسبت با حضور همسایگان می‌گیرند که به نام جشن «دندون رون»^۲ یا جشن رویدن دندان طفل معروف است (با تلخیص از امائی، ۱۳۸۰: ۱۸۲ و سرلک، ۱۳۸۵: ۴۳) و پس از آماده شدن این غذا، آن را به هفت همسایه می‌دهند و باور دارند با این کار دندان‌های طفل زودتر و راحت‌تر در می‌آید و «...می‌گویند هنگامی که پوست گندم بترکد دندان بچه نیز بیرون می‌آید» (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۲۹). همسایگان هم بنا بر باوری که دارند ظرف را خالی بر نمی‌گردانند. برخی از باورهای عامه درباره‌ی رویش دندان کودک است از جمله: «اگر کودک دندان‌های بالایی‌اش اول درآید، خوب نیست» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۹۴) و بر

¹ Dongu

² Dendun Run

– بچه را نباید با جارو زد (امانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۲) احتمال دارد آن بچه در آینده دزد شود!

برخی از باورها اعمال و رفتار کودکان مربوط به اعضای بدن کودک است از جمله وقتی نرمی گوش کودکی درد بگیرد می‌گویند: خاله یا عمه‌اش چاقو بر آتش گذاشته است (شالویی، ۱۳۷۷: ۱۶۴). علاوه بر این، تکان دادن خالی گهواره نوزاد نیز سبب گوش درد وی می‌شود (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۱۰۶). خاراندن کف پای نوزادها و کودکانی که هنوز راه نیفتاده‌اند، سبب دیر راه افتادن آن‌ها می‌شود، اگر کف پای راست باشد نشانه‌ی کفش خواستن اوست و اگر پای چپ باشد، کتک می‌خورد! (همان: ۱۰۷).

باورهای مرتبط با سلامت روان و جسمی کودک:

در باورهای بختیاری برای حفظ سلامتی کودکان به سلامت جسمی و هم روانی کودک توجه بسیار شده است. در ذیل به بعضی از این باورها اشاره می‌شود:

سلامت روان کودک:

رفع چشم زخم:

در باورهای مردم بختیاری «اگر فردی کودکی را چشم کرد، مقداری از لباس یا موی او را بدون اطلاعش بریده و زیر پای کودک دود می‌کنند تا رفع چشم زخم شود» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۲۹۰). هم‌چنین، جهت برطرف کردن چشم زخم کودک از «تیه‌بند»^۱ یا نظربند استفاده می‌کنند. برای این منظور نمک، اسفند، زاج، موی گرگ، مهره چشم را داخل پارچه‌ای سبز رنگ می‌گذارند و با سنجاق به سر کف کودک می‌بندند (حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

خواندن دعای قلعه یاسین:

از جمله کارهایی که برای سلامت روحی و روانی کودک در فرهنگ بختیاری انجام می‌شود، خواندن «دعای

قلعه یاسین» است. قلعه یاسین تکه پارچه‌ی سفیدی است با ابعاد یک مربع و به طول و عرض یک متر که میان آن را به صورت مربع خالی می‌کنند و سوره‌ی مبارک «یاسین» را دور آن و هم‌جهت عقربه‌های ساعت روی اضلاع مربع آن می‌نگارند. علاوه بر سوره‌ی «یاسین» در آغاز «آیه‌الکرسی» و پس از آن سوره‌های «کافرون، توحید، فلق، ناس و قدر» را می‌آورند. هنگامی که کودکی بسیار گریه کند و مدت مدیدی تب کرده و بیمار شود و بی‌قراری کند یا به قول عوام چشم خورده (نظر شده) باشد، برای رفع این مورد، مرد یا زنی (ترجیحاً سید یا سیده) وضو می‌سازد و با خواندن دعا و آیاتی از قرآن و ذکر صلوات کودک را از میان پارچه (قلعه یاسین) سه بار عبور می‌دهند. پس از عبور دادن کودک از درون پارچه آن را تا کرده و بیرون از خانه در رهگذر با دعا و ذکر صلوات و نام حق می‌تکانند تا جن‌ها و اشراق از او دور شوند (با تلخیص از قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۲).

سلامت جسمی کودک:

برخی دیگر از باورهای بختیاری مربوط به سلامت جسمی کودکان (به ویژه تب شدید آنان) است که در زمان قدیم به عنوان بخشی از طبابت سنتی بختیاری رواج داشت و مردم با انجام این امور باور داشتند که کودکان بیمار از این راه سلامتی خود را به دست می‌آورد.

درمان بیماری چُلْمِه:

مردم بختیاری از روی نشانه‌هایی که با تجربه به دست آورده بودند، به حالت فردی که دچار دل درد شدید و حالت بی‌حسی در اندام وی ایجاد شود، می‌گویند، دچار بیماری «چُلْمِه»^۲ یا سکنه‌ی خفیف شده است، به همین دلیل فردی که از طبابت سنتی آگاه است درمان «چُلْمِه‌بری» انجام می‌دهد تا بهبودی و سلامتی بیمار حاصل شود. به این منظور،

² Cholmeh

¹ Tiyeh band

شفا می‌یابد و گوسفند قربانی شده را بین افراد نیازمند و همسایگان تقسیم می‌کنند (عیدی‌وندی، ۱۳۷۶: ۴۲۹-۴۳۰).

فرهنگ و باورهای مردم بختیاری درباره‌ی نام‌گذاری کودکان:

مردم بختیاری نام کودک را بر اساس یک سنت دیرینه انتخاب می‌کنند که با باورهای همراه است که در این جا تنها به باورهای زنده‌ماندن نوزاد پس از تولد اشاره می‌شود:

وقتی زنی بچه‌اش قبل یا پس از تولد می‌مُرد، بنا بر باورهایی برای علاج این کار او در نزد «مُلا» یا فرد باسواد محل می‌رفت تا برایش دعا کند تا فرزندش زنده بماند. دعایی که برای زنده ماندن نوزاد توسط «مُلا» خوانده می‌شد که به آن «رُود نُمرد» یعنی نمردن فرزند می‌گفتند (قنبری ۱۳۸۵: ۱۲۵). هم‌چنین اگر خانواده‌ای پسر نداشت یا پسرانش پس از تولد می‌مردند، معمولاً این نام‌ها را برای زنده ماندن فرزندشان بر می‌گزیدند: «خدابل»: خداوند او را زنده بگذارد. «باشی»: به معنی وجود داشته باشی، زنده باشی، «مانده‌علی»: زنده مانده با لطف و مدد حضرت علی (ع). «خدا مانده»: زنده مانده به لطف خداوند (جعفری شهنی، ۱۳۸۲). اگر خانواده‌ای پس از سال‌ها انتظار صاحب فرزند شوند این نام‌ها را انتخاب می‌کرد: «الله کرم»: خداوند لطف و کرم فرموده و پسری عطا کرد. «خداداد»: خداوند فرزند پسری عطا کرد (سرلک، ۱۳۸۵: ۹۶).

جمع‌بندی و نتایج:

باورها و اعتقادات به عنوان بخش مهمی از فرهنگ مردم، بازتابی از اندیشه‌ها، روحیات و چگونگی رفتار مردم نسبت به مسائل زندگی اجتماعی و در کل تجربیات با ارزش مردم است و شناخت باورها دریچه‌ای برای شناخت کلی فرهنگ اقوام کشور است. بختیاری‌ها به عنوان یکی از اقوام

فرد آگاه به این درد، بالای سر بیمار می‌آید و برای درمان آن به این شیوه عمل می‌کند: هفت سنگ کوچک به اندازه نخود که معمولاً از «چاله» آتش‌دان تهیه می‌کنند، همراه با چند وسیله‌ی دیگر از جمله یک کارد، یک سیخ و ... بر می‌دارد. هر بار یکی از سنگ‌ها یا وسایل یاد شده را در دست می‌گیرد از سر تا نوک انگشتان پای فرد بیمار به صورت آهسته به بدن بیمار می‌کوبد و هم‌زمان می‌گوید: «چلمه می‌زنم شب و روز، از آب، از دره، چشم‌های حسود، زبان بدخواه، (از نظرها، خواب) بریدم، بریدم، بریدم». بر اساس باوری که برای درمان این بیماری دارند، پس از ساعتی بیمار به حالت عادی برمی‌گردد (با تلخیص از عیدی‌وندی، ۱۳۷۶: ۴۲۸-۴۲۹ و مددی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). درمان چنین حالتی بیش‌تر برای بهبودی کودکان در نظر گرفته می‌شد.

درمان تب شدید کودکان:

در گویش لُری بختیاری به تشنج کودکان که همراه با تب شدید است، در اصطلاح «پیرونی»^۱ یا تشنج می‌گویند (مددی، ۱۳۷۵: ۶۶). در چنین وضعیتی کودک هذیان می‌گوید و مرتباً دست و پای خود را به حرکت در می‌آورد. بنا بر باورهای عامه برای درمان چنین بیماری، پس از آوردن اسلحه شکاری، یک نفر اسلحه را نگه می‌دارد و فردی دیگر بچه را در بغل می‌گیرد و از بند اسلحه عبور داده و بیرون می‌کند و به مادر وی که در مقابل ایستاده است می‌گوید: فروختم و مادر نیز می‌گوید: خریدم. با انجام چنین حرکت نمادین و گفتن این جملات، بختیاری‌ها بر این باورند که این فرزند، به خانواده‌اش برگردانده می‌شود و حیاتی دوباره می‌یابد. پس از بهبود حال بچه به این منظور گوسفندی را در راه خدا قربانی می‌کنند و خون گوسفند را با مقداری باروت مخلوط می‌کنند و به مژه‌های بچه می‌مالند و به حکم الهی و اعتقادات صادقانه و پاک مردم، بیماری او

¹ Piruni

- حسن‌زاده رهدار، حسین (۱۳۸۲) از بختیاری تا بختیاری، اهواز: انتشارات لاجورد.

- حسین‌پور، علی (۱۳۹۱) فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری، شهرکرد: انتشارات نیوشه.

- حنیف، محمد (۱۳۸۶) سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، تهران: انتشارات طرح آینده و اداره کل پژوهش‌های رادیو.

- خسروی، عبدالعلی «قائد بختیاری» (۱۳۶۸) فرهنگ بختیاری، تهران: انتشارات فرهنگسرا.

- داودی حموله، سریا (۱۳۹۳) دانشنامه قوم بختیاری: تحلیل ادب، آیین، سنت، اعتقادات و باورداشت‌ها، اهواز: انتشارات معتبر.

- سرلک، رضا (۱۳۸۵) آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ، تهران: انتشارات طهوری.

- شهبازی، محمدرضا (۱۳۹۲) مراسم آیینی نمایشی در بختیاری، بوشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.

- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵) لُرهای ایران (لُر بزرگ، لُر کوچک) تهران: انتشارات آتیه.

- عیدی‌وندی، حافظ (۱۳۷۶) نگرشی بر ایل بختیاری، اهواز: مؤسسه فرهنگی آیات.

- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۵) گفت‌و‌گفت (گفتگو - سخن‌گویی خودمانی) درباره فرهنگ عامیانه بختیاری، شهرکرد: انتشارات مُرید.

- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱) فولکلور مردم بختیاری، شهرکرد: انتشارات نیوشه.

- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۴) ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد: پژوهشی در فرهنگ و ادبیات عامه‌ی بختیاری، چ ۲، شهرکرد: نیوشه.

- کُرد، مراد (۱۳۸۸) شناسنامه و تاریخ کامل قوم بختیاری (کُرد و لُر)، ج ۱، اصفهان: انتشارات آسمان‌نگار.

کشور خود از باورهای گوناگونی برخوردارند، با بررسی این باورها، باورهای زیادی به چشم می‌خورد که مربوط به کودکان و زندگی آنان است. این باورها از پیش از تولد نوزاد و فرزندخواهی (زمان ازدواج و تشکیل خانواده) و دوره‌ی پس از تولد نوزاد به شکل‌های گوناگون و به مناسبت‌های مختلف بیان می‌شوند که نمونه‌هایی از آن‌ها آورده شد. نکته‌ی جالب توجه در برخی از این باورها پیوند با اعتقادات دینی و مذهبی است از جمله به کار بردن آیین «چله‌بری»، خواندن «دعای قلعه یاسین» و قرآن، گفتن اذان و نام بردن و یاری خواستن از خداوند در تمام شرایط (به ویژه شرایط سخت) است.

در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت هدف از به وجود آمدن باورهای گوناگون درباره‌ی مادر و کودک در فرهنگ مردم بختیاری حفظ سلامتی زنان در دوره‌ی بارداری و در نظر گرفتن شیوه‌هایی که هدف نهایی آن مراقبت و ایمن نگه داشتن نوزاد از بیماری‌های جسمی، روحی و رفع چشم زخم به ویژه در روزها و ماه‌های نخستین زندگی است. وجود باورهای گوناگون در ارتباط با مادر و کودک در فرهنگ مردم بختیاری به نوعی بیانگر اهمیت و جایگاه کودک در این فرهنگ است.

منابع و مآخذ:

الف) کتاب‌ها:

- ارشادی فارسانی، عیدی‌محمد (۱۳۸۸) فرهنگ بختیاری، تهران: انتشارات آرون.

- امانی، منصور (۱۳۸۰) ایذه در گذر تاریخ (ایذه بعد از اسلام با نگرشی بر تاریخ قوم بختیاری)، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری).

- پوره، کاظم (۱۳۸۱) موسیقی و ترانه‌های بختیاری، تهران: انتشارات آژان.

- مددی، حسین (۱۳۸۶) نماد در فرهنگ بختیاری، اهواز: انتشارات مهزیار.

- مددی، ظهرا (۱۳۷۵) واژه‌نامه زبان بختیاری، اهواز: انتشارات آیات.

- نوروزی، قدمعلی (۱۳۹۱) باورهای عامه در بختیاری، اهواز: انتشارات معتبر.

ب) مقالات:

- جعفری شهنی، ارسلان (۱۳۸۲) «راز نام‌گذاری کودکان بختیاری»، روزنامه‌ی اعتماد، سال دوم، شماره ۳۶۴ (دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۸۲).

- شالویی، بابک (۱۳۷۷) «چندباور در بین بختیاری‌ها»، کتاب آنزان (ویژه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری)، به کوشش غلامعباس نوروزی بختیاری، تهران: آنزان.

- شاهمرادی، بیژن (۱۳۸۳) «زن و جایگاه آن در فرهنگ بختیاری»، فصلنامه‌ی فرهنگ مردم، سال سوم، شماره‌ی ۱۰، صص ۶۲-۷۴.



The Position of Children and Childhood in Bakhtiari Culture and Popular Beliefs

Ali Hoseinpour ¹

¹Master of Science in Iranology (Folk Culture, Customs, and Cultural Heritage), Researcher at the Iranology Foundation, Chaharmahal and Bakhtiari Branch, hoseinpourali@mail.ir

Article Info	Abstract
Received: 2025/02/16	Beliefs are a reflection of people's attitudes and thoughts when faced with natural affairs and other various issues of life, and by carefully examining their themes and content, one can become familiar with an important part of the culture and beliefs of different ethnic groups in our country. By examining the culture and beliefs of the Bakhtiari people, one can find many things that are somehow related to the life, behavior, and health of children; the existence of such ancient and deep-rooted beliefs indicates the importance of childhood and the place of the child and his education in the culture of the Bakhtiari people. Based on the recognition of various manifestations of popular culture and literature, in this article, we will try to use available oral and written sources, using a descriptive-analytical method, while examining and recognizing the various culture and beliefs of the Bakhtiari people related to children, and find out what is the purpose of the emergence of such deep-rooted and ancient beliefs in the culture of the Bakhtiari people? And what role and position does the child have in these beliefs?
Accepted: 2025/05/24	
Keywords Bakhtiari People's Culture Belief Child	

Citation(APA): Hoseinpour , Ali (2025), The Position of Children and Childhood in Bakhtiari Culture and Popular Beliefs, Tribes and Nomads Studies 14(1), pp 55-70.